

تکرار یک بهانه

جهان صنعت: روحانی در دیدار با علما با تاکید بر اینکه امروز برای مدیریت بهتر شرایط نیازمند تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری هستیم، اظهار داشت: در دوران جنگ تحمیلی نیز در مقطعی که با مشکل مواجه شدیم، شورای عالی پشتیبانی جنگ ایجاد شد و همه اختیارات در دست این شورا بود و حتی مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه نیز در تصمیم‌گیری آن شورا دخالتی نداشتند و امروز هم در شرایط جنگ اقتصادی قرار داریم. وی تصریح کرد: همان‌گونه که در جنگ هشت ساله اختیارات ویژه‌ای را از امام راحل گرفتیم و توانستیم جنگ را اداره کنیم و حتی موفقیت‌های بسیاری را به دست آوریم امروز هم به چنین اختیاراتی نیاز داریم.

اینکه چرا روسای جمهور در چهار سال دوم ریاست‌شان از این موضوع سخن می‌گویند جای سوال است. به نظر می‌رسد شاید در دوره اول نسبت به حکومت و عرف سیاسی کمی محتاط‌تر رفتار می‌کنند لذا رعایت محدودیت‌ها برایشان خط قرمزی است که هرچند دست و پایشان را بسته اما راجع به آن لب‌تر نمی‌کنند. البته می‌توان این گمانه را هم در نظر گرفت که شاید چون روسای جمهور نتوانستند به وعده‌های خود عمل کنند در چهار سال دوم ریاست‌شان دنبال مقصر می‌گردند و می‌خواهند با بهانه‌های نبود اختیار در قوه مجریه از مشکلات فرار کنند.



سال چهارم شماره ۲۳۰ چهارشنبه ۱۳۹۸ خرداد

www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb

ساز جدایی ترامپ از بولتون

وطن امروز: زمانی که جان بولتون از تهدید ایران در منطقه گفت و بر اساس اطلاعاتی که از سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی دولت آمریکا به دست آورده بود، اعلام کرد ایران می‌خواهد علیه نیروهای آمریکایی در منطقه عملیات‌های نظامی انجام دهد، رسانه‌های آمریکایی با شگفتی به این خبر نگریستند و اعلام کردند او در حالی از تهدید ایران صحبت به میان آورده که مشخص نکرده است این تهدید دقیقاً چه بوده است. چندی بعد البته منبع اصلی اطلاعات بولتون مشخص شد. روزنامه جروزالم پست و شبکه خبری سی‌ان‌ان در گزارش‌های جداگانه بیان کردند این نتایج بوده که اطلاعات درباره تهدید ایران را در اختیار بولتون گذاشته است. این رسانه‌ها بیان کردند نتایج بر اساس اطلاعاتی که به دست آورده اعلام کرده است که ایران در حال کار گذاشتن موشک روی قایق‌های تندروی سپاه است و می‌خواهد اهداف جدیدی را در خلیج فارس مورد تهدید قرار دهد.

کاخ سفید که به نظر می‌رسید از همه جا بی‌خبر باشد، بر اساس اطلاعاتی که سازمان‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به دست آورده بودند، در نهایت دستور ارسال ناو آبراهام لینکلن را به خلیج فارس صادر کرد. تب تهدیدات و مجادلات لفظی ایران و آمریکا از آن پس بیشتر و بیشتر شد و در چند هفته اخیر هیچ صحبتی از نتایج درباره جدال لفظی آمریکا و ایران و احتمال شکل گرفتن برخی حملات نظامی بین ۲ طرف منتشر نشد. زمانی که این مجادلات به اوج خود رسید، نمایندگان کنگره خواستار مشاهده اسنادی شدند که بر اساس آن جان بولتون تصمیم به فرستادن ناو به منطقه گرفته بود اما به ظاهر این اسناد وجود خارجی نداشت.

آغازی بر تغییر معادله در جنگ یمن

کیهان: سلمان از سران کشورهای عربی و به خصوص شش عضو شورای همکاری خلیج فارس که روزگاری تحت سیطره مطلق ریاض قرار داشتند، خواسته است تا برای «اتخاذ موضع واحد در خصوص تحولات منطقه» در مکه گرد هم آیند. این درخواست ۲۸ اردیبهشت از طریق وزارت خارجه عربستان تسلیم کشورهای عربی شده و خود این که ریاض برای گرد هم آوردن سران عربی به دو هفته وقت احتیاج دارد، نشان‌دهنده مشکلات پیش روی رژیم سعودی حتی در حوزه عربی و نیز حتی در میان کشورهای ضعیف عربی عضو شورای همکاری است.

مقامات سعودی با صرف مبالغ زیادی پول در کشورهای اسلامی و به خصوص در کشورهای عربی سعی کرده‌اند تا جبهه‌ای اسلامی - عربی با محوریت خود به وجود آورند. بر این اساس آنان در جریان آغاز جنگ علیه یمن در ششم فروردین ۱۳۹۴ روی حمایت گسترده و مؤثر این کشورها حساب کرده بودند و این در حالی بود که یمنی‌ها در میان کشورهای عربی و اسلامی - به جز ایران پناهی نداشتند و هیچ دلیل سیاسی برای ترجیح آنان بر رژیم «دست و دل باز» سعودی وجود نداشت. اما وقتی در همان ماه‌های اول کشورهای بزرگ اسلامی شامل مصر، ترکیه و پاکستان از سیاست ضد یمنی سعودی تبعیت نکردند و بعضاً شروع به انتقاد از ریاض هم نمودند، مقامات عربستان به اشتباه محاسبه خود پی بردند. کمی بعد سه کشور پیرامونی عربستان یعنی عمان، قطر و کویت نیز از ادامه جنگ علیه یمن انتقاد کردند.

یمنی‌ها حمله به نقاط حساس سعودی در عمق این کشور را یک دستور کار جدید و جدی اعلام کرده‌اند آنان با صراحت می‌گویند اقدام عملیاتی علیه دو بندر سعودی که در فاصله ۸۰۰ و ۸۵۰ کیلومتری از مرزهای شمالی یمن قرار داشته را لااقل به ۳۰۰ هدف نظامی و حیاتی دیگر عربستان گسترش خواهند داد. در این میان دو نکته اساسی وجود دارد. نکته اول این است که حرکت پهپادهای یمنی در ارتفاع پایین و در عین حال عبور در یک مسیر طولانی بدون آنکه مورد شناسایی واقع شده باشند و بدون آنکه این مسیر طولانی باعث اتمام سوخت آنان گردد، به رژیم سعودی یادآور می‌شود که یمنی‌ها به موقعیت جدیدی دست یافته و واقعاً می‌توانند صادرات نفت عربستان را به صفر برسانند در واقع پهپادهایی که توانستند علاوه بر حفظ سوخت، موشک‌هایی را با خود حمل کرده و با دقت به ایستگاه‌های نفتی عربستان در دو بندر واقع در شمال دریای سرخ شلیک کنند، به یک کابوس برای سران سعودی، اسرائیل و آمریکا تبدیل شده‌اند و به قول وزیر خارجه امارات «تحویلی خطرناک» در جنگ یمن و به طور کلی در منازعات منطقه‌ای به حساب می‌آید. این نکته را در نظر داشته باشیم که عربستان و آمریکا برای تضمین امنیت منطقه حساس نفتی شمال غرب عربستان هزینه‌های هنگفتی کرده بودند و اطمینان داشتند که تهدیدی متوجه تأسیسات این منطقه نیست. بر این اساس حدود دو سال پیش شرکت آرامکو - مشترک بین آمریکا و عربستان - در زمانی که فرضیه گسترش جنگ یمن و به مخاطره افتادن امنیت خطوط انتقال نفت در بنادر غرب عربستان مطرح شد، در بیانیه‌ای اعلام کرد، سیستم دفاعی این میادین استراتژیک نفتی امکان تعرض به آنها را از میان برده است. نکته دیگر این است که پهپادهای تهاجمی انصارالله که دواومی و قطیف را مورد حمله قرار دادند، می‌توانند ریاض را نیز مورد حمله قرار دهند. چرا که فاصله این دو شهر از ریاض به ترتیب بیش از ۲۳۰ و ۳۹۰ کیلومتر نیست و عملیات پهپادی «نهم رمضان» می‌تواند در روزهای آینده علیه ریاض به کارگرفته شود. هر چند حساسیت مناطق نفتی سعودی کمتر از اهمیت پایتخت هم نیست.

تهدید عدالت

رسالت: شاید ویدئوی تصادف دو پورشه سوار در اصفهان را که اخیراً در شبکه های اجتماعی فارسی زبان دست به دست شده است را دیده باشید. یکی از این پورشه ها که در حال مسابقه با دیگری بوده، ضمن انحراف از مسیر با یک پراید برخورد می کند و راننده پراید در دم جان می دهد. در ویدئوی منتشر شده، دخترک راننده پورشه در حال فریاد زدن است که «مرده که مرده، دیه اش را می دهم». این واقعه، یعنی کشته شدن جوان دانشجوی اصفهانی و ماتم خانواده داغدارش، دردناک است، دردناک تر از آن وقاحت نوکیسه ای است که قیمت جان یک انسان را با مادیات می سنجد، اما موضوعی که از همه بیشتر قابل تأمل است، این ساختار معیوب است. خودروی پورشه ای که موجب مرگ یک هم وطن شده، احتمالاً حدود دو میلیارد تومان قیمت دارد، در حالی که دیه جوان از دنیا رفته، ۲۷۰ میلیون تومان است. عدالت درآمدی، مسئله ای نیست که قابل چشم پوشی باشد. بر هر حوزه ای که دست بگذاریم، نمونه ها فراوانند. نسبت درآمد پزشک و پرستار در بسیاری از کشورهای دنیا، چهار به یک است، در حالی که در کشور ما این نسبت دو رقمی و حتی گاهی سه رقمی است! نابرابری در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دولت مشهود است، صاحبان سخت ترین و شریف ترین مشاغل، در تامین مایحتاج زندگی مانده اند و به شغل دوم و سوم روی آورده اند، در حالی که حقوق های دو رقمی، کف درآمد برخی از مجموعه هاست. غیر از عدالت درآمدی، حوزه های دیگر از قبیل عدالت آموزشی هم با چالش جدی مواجهند. در آزمون ورودی سال گذشته دانشگاه ها، ۵ نفر اول رشته های ریاضی، تجربی و انسانی، همه فارغ التحصیلان مدارس غیرانتفاعی بوده اند. این بدین معنیست که اقبال پولدارتر، از آموزش های با کیفیت تر و بیشتری برخوردارند و در دانشگاه و تحصیلات عالی هم، جایگاه بهتری پیدا می کنند، تحصیلات بیشتر و در نتیجه جایگاه شغلی و آینده تضمین شده تر و همین نسل پولدار، فرزندان شان را هم بر همین منوال تربیت می کنند. خلاصه آن که در حوزه آموزش، در حال حرکت به سوی طبقاتی شدن هستیم، ثروتمندانی که تحصیلات بهتری دارند و تهدیدستانی که شانس چندانی هم برای کسب آموزش و تحصیلات عالی همچون دسته اول ندارند. در یک کلمه، به اصطلاح جامعه شناسان، فقر در حال تبدیل شدن به یک نهاد در جامعه ماست. در حوزه عدالت شغلی و موارد دیگر هم اوضاع تعریف چندانی ندارد.

نقاش: منتظر نمایی ایران نیستی امیر!



آموزش تحلیل سیاسی / مبارزه بر مدار قرآن (۵)

ولی تنگ نظری و نگاه سطحی رژیم شاه موجب برخورد و سخت گیری و سرانجام تعطیلی این جلسات شده است: «بنده حدود سال ۵۰ در مشهد برای دانشجویها درس تفسیر می گفتم و اوایل سوره ی بقره- ماجراهای بنی اسرائیل- را تفسیر می کردم. بنده را به ساواک خواستند و گفتند چرا شما راجع به بنی اسرائیل حرف می زنید؟ گفتم آیه ی قرآن است؛ من دارم آیه ی قرآن را معنا و تفسیر می کنم. گفتند نه، این اهانت به اسرائیل است! درس تفسیر بنده را به خاطر تفسیر آیات بنی اسرائیل- چون اسم اسرائیل در آن بود- تعطیل کردند.